

Never Forget a Word: Memory Champion Secrets for English Learners

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

20 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1 keep something in mind

چیزی را در ذهن نگه داشتن

DEF

To remember and continue considering a fact, idea or instruction.

A highly reusable chunk for advice and decision-making.

FA

عبارتی به معنای «چیزی را در ذهن نگه داشتن».

یک قطعه بسیار قابل استفاده مجدد برای مشاوره و تصمیم گیری.

Keep it in mind while you listen... because today's method and those tools were made for each other.

در حین گوش دادن به آن توجه داشته باشید... زیرا روش و آن ابزارها برای یکدیگر ساخته شده‌اند.

Keep your audience in mind when you choose an example.

هنگام انتخاب نمونه، مخاطب خود را در نظر داشته باشید.

2 walk away with

با چیزی ارزشمند از تجربه بیرون آمدن

DEF

To leave an experience having gained knowledge, a benefit or possession.

The meaning is figurative here: the learner finishes with three useful outcomes.

FA

عبارتی به معنای «با چیزی ارزشمند از تجربه بیرون آمدن».

معنا در اینجا مجازی است: یادگیرنده با سه نتیجه مفید به پایان می‌رسد.

If you stay with us until the end, you will walk away with three things.

اگر تا پایان با ما بمانید، سه چیز خواهید داشت.

Everyone walked away with one technique they could use immediately.

همه با یک تکنیک که می‌توانستند بلافاصله از آن استفاده کنند، کنار رفتند.

3 turn something into

چیزی را به چیز دیگری تبدیل کردن

DEF

To transform one thing so that it becomes another.

The pattern is turn + object + into + result.

FA

عبارتی به معنای «چیزی را به چیز دیگری تبدیل کردن».

الگوی تبدیل + شی + به + نتیجه است.

Two — the Memory Palace... a technique older than the Roman Empire... that turns your own home into a dictionary.

دو — کاخ حافظه... یک تکنیک کهن‌تر از امپراتوری روم... که خانه خودتان را به یک دیکشنری تبدیل می‌کند.

She turned a dull list into a memorable story.

او یک لیست کسل‌کننده را به داستانی به یاد ماندنی تبدیل کرد.



4

memory palace

کاخ حافظه

DEF

A mnemonic system that places vivid mental images in familiar locations.

Also called the method of loci; palace does not need to be a literal palace.

FA

عبارتی به معنای «کاخ حافظه».

روش مکان یابی نیز نامیده می شود. لازم نیست کاخ یک قصر واقعی باشد.

Two — the Memory Palace... a technique older than the Roman Empire... that turns your own home into a dictionary.

دو — کاخ حافظه... یک تکنیک کهن تر از امپراتوری روم... که خانه خودتان را به یک دیکشنری تبدیل می کند.

He stored the new expressions in an imaginary memory palace.

او عبارات جدید را در یک قصر حافظه خیالی ذخیره کرد.

5

come alive

جان گرفتن

DEF

To become vivid, active, exciting or seemingly real.

It can describe people, stories, places, performances and mental images.

FA

عبارتی به معنای «جان گرفتن».

می تواند افراد، داستان ها، مکان ها، اجراها و تصاویر ذهنی را توصیف کند.

And suddenly... the grass comes alive... and grasps your ankle.

و ناگهان... چمن زنده می شود... و مچ پای شما را می گیرد.

The vocabulary came alive when we used it in a story.

واژگان زمانی زنده شد که از آن در داستان استفاده کردیم.

6

grasp

محکم گرفتن؛ درک کردن

DEF

To seize something firmly or understand an idea clearly.

The physical and intellectual meanings make this verb especially memorable.

FA

عبارتی به معنای «محکم گرفتن؛ درک کردن».

معانی فیزیکی و عقلی این فعل را به خصوص به یاد ماندنی می کند.

Take the verb... to grasp.

فعل را بگیرید... درک کردن.

It took me a moment to grasp the speaker's main point.

لحظه ای طول کشید تا متوجه نکته اصلی گوینده شوم.

7

spill the beans

راز را لو دادن

DEF

To reveal secret information, often accidentally or prematurely.

A genuine informal idiom; it is unrelated to literal beans.

FA

عبارتی به معنای «راز را لو دادن».

یک اصطلاح غیررسمی واقعی؛ با لوبیا تحت اللفظی ارتباطی ندارد.

And in the kitchen... someone spilled the beans... beans on the floor, in your shoes, inside the coffee machine.

و در آشپزخانه... کسی لوبیاها را ریخته است... لوبیاها روی زمین، در کفش های شما، داخل قهوه ساز.

Who spilled the beans about the surprise?

چه کسی در مورد شگفتی لوبیا ریخت؟



8

bite the bullet

سختی را به جان خریدن

DEF

To face a difficult or unpleasant situation with courage.

A genuine idiom associated with accepting unavoidable discomfort.

FA

*Take a classic... to bite the bullet.**I bit the bullet and practised the difficult pronunciation.*عبارتی به معنای «سختی را به جان خریدن».
یک اصطلاح اصیل که با پذیرش ناراحتی اجتناب ناپذیر همراه است.

یک مثال کلاسیک بزنید... دندان روی گلوله گذاشتن.

گلوله را گاز گرفتم و تلفظ سخت را تمرین کردم.

9

make someone remember

باعث شدن کسی چیزی را به یاد بسپارد

DEF

To cause a person to retain or recall information.

A causative structure: make + person + base verb, without to.

FA

*The crazy one makes you remember.**A vivid image can make you remember an abstract word.*عبارتی به معنای «باعث شدن کسی چیزی را به یاد بسپارد».
ساختار علی: ساختن + شخص + فعل پایه، بدون to.

آن دیوانه وار شما را به یاد می آورد.

یک تصویر واضح می تواند شما را به یاد یک کلمه انتزاعی وادار کند.

10

escape you

از یاد کسی گریختن

DEF

To remain impossible to remember, understand or notice despite effort.

Ideas, names and words can escape a person; no physical escape is involved.

FA

*Make your own movies for the verbs that always escape you.**Her name escaped me during the introduction.*عبارتی به معنای «از یاد کسی گریختن».
ایده ها، نام ها و کلمات می توانند از یک شخص فرار کنند. هیچ فرار فیزیکی در کار نیست.

فیلم های خود را برای افعالی بساز که همیشه از تو فرار می کنند.

نام او در هنگام معرفی از من خارج شد.

11

the stranger..., the stronger...

هرچه عجیب تر...، قوی تر...

DEF

A comparative-correlative pattern showing that one change increases with another.

The structure is the + comparative, the + comparative.

FA

*The stranger the story... the stronger the verb.**The stranger the image, the stronger the memory becomes.*عبارتی به معنای «هرچه عجیب تر...، قوی تر...».
ساختار + مقایسه، + مقایسه است.

هر چه داستان عجیب تر باشد... فعل قوی تر است.

هر چه تصویر عجیب تر باشد، حافظه قوی تر می شود.



12

active recall

یادآوری فعال

DEF

The practice of retrieving information from memory instead of merely rereading it.

A core learning-science collocation often paired with spaced repetition.

FA

عبارتی به معنای «یادآوری فعال». یک ترکیب اصلی یادگیری-علم اغلب با تکرار فاصله دار همراه است.

Active recall... spaced repetition.

یادآوری فعال... تکرار فاصله دار.

Close the book and use active recall to test yourself.

کتاب را ببندید و از یادآوری فعال برای آزمایش خود استفاده کنید.

13

spaced repetition

تکرار فاصله دار

DEF

Reviewing information at increasing intervals to strengthen long-term memory.

Spaced refers to the gaps between reviews, not physical distance.

FA

عبارتی به معنای «تکرار فاصله دار». به شکاف بین بررسی ها اشاره دارد، نه فاصله فیزیکی Spaced.

Active recall... spaced repetition.

یادآوری فعال... تکرار فاصله دار.

Spaced repetition brings a word back just before you forget it.

تکرار فاصله یک کلمه را درست قبل از اینکه آن را فراموش کنید باز می گرداند.

14

speed is vanity

سرعت می تواند خودنمایی باشد

DEF

A metaphorical warning that impressive speed can serve appearance rather than understanding.

Vanity means excessive concern with admiration or image.

FA

عبارتی به معنای «سرعت می تواند خودنمایی باشد». غرور به معنای نگرانی بیش از حد با تحسین یا تصویر است.

Speed is vanity, friends.

سرعت خودخواهی است، دوستان.

When learning, speed is vanity if understanding is shallow.

هنگام یادگیری، اگر درک سطحی باشد، سرعت بیهوده است.

15

comprehension is wealth

درک، ثروت واقعی است

DEF

A metaphor presenting deep understanding as something genuinely valuable.

The contrast with vanity prioritises learning quality over performance.

FA

عبارتی به معنای «درک، ثروت واقعی است». تضاد با غرور، کیفیت یادگیری را بر عملکرد ترجیح می دهد.

Comprehension is wealth.

درک ثروت است.

For a language learner, comprehension is wealth.

برای یک زبان آموز، درک مطلب ثروت است.



16

mental movie

فیلم ذهنی

DEF

A sequence of vivid images constructed in the mind to represent meaning or events.

A practical collocation for reading comprehension and memory.

FA

عبارتی به معنای «فیلم ذهنی».

یک ترکیب کاربردی برای درک مطلب و حافظه.

We call it the mental movie.

ما آن را فیلم ذهنی می‌نامیم.

I created a mental movie to remember the whole sequence.

من یک فیلم ذهنی ساختم تا کل سکانس را به خاطر بسپارم.

17

chunking

قطعه‌بندی اطلاعات

DEF

Grouping separate pieces of information into larger meaningful units.

In language learning, chunks reduce processing load and improve fluency.

FA

عبارتی به معنای «قطعه‌بندی اطلاعات».

در یادگیری زبان، تکه‌ها بار پردازشی را کاهش می‌دهند و روانی را بهبود می‌بخشند.

This is called chunking... reading in groups of words.

این را چانکینگ می‌نامند... خواندن در گروه‌های کلمات.

Chunking the number into groups made it easier to recall.

تقسیم شماره به گروه‌ها، یادآوری آن را آسان‌تر کرد.

18

out of the blue

ناگهان و بی‌مقدمه

DEF

Suddenly and unexpectedly, without warning.

A genuine idiom often used for messages, events and appearances.

FA

عبارتی به معنای «ناگهان و بی‌مقدمه».

اصطلاحی اصیل که اغلب برای پیام‌ها، رویدادها و ظواهر استفاده می‌شود.

Collect full expressions... out of the blue... take it for granted... sooner or later.

عبارات کامل را جمع‌آوری کنید... ناگهان... آن را مسلم بدانید... دیر یا زود.

She called me out of the blue after ten years.

بعد از ده سال به من زنگ زد.

19

take something for granted

چیزی را بدیهی فرض کردن

DEF

To fail to appreciate something because it seems permanently available or obvious.

It can also mean assume something is true without checking.

FA

عبارتی به معنای «چیزی را بدیهی فرض کردن».

همچنین می‌تواند به این معنی باشد که بدون بررسی چیزی درست است.

Collect full expressions... out of the blue... take it for granted... sooner or later.

عبارات کامل را جمع‌آوری کنید... ناگهان... آن را مسلم بدانید... دیر یا زود.

Do not take your progress for granted.

پیشرفت خود را بدیهی تلقی نکنید.



20

drop something without guilt

چیزی را بدون احساس گناه کنار گذاشتن

DEF

To stop using or pursuing something without blaming yourself.

Drop is informal and figurative here; it presents selective learning as a healthy choice.

FA

عبارتی به معنای «چیزی را بدون احساس گناه کنار گذاشتن».

در اینجا غیر رسمی و مجازی است. یادگیری انتخابی را به عنوان یک انتخاب سالم معرفی می کند Drop

You are not in school... there is no exam... drop it without guilt.

شما در مدرسه نیستید... هیچ امتحانی وجود ندارد... بدون احساس گناه آن را کنار بگذارید.

If a technique is not helping, drop it without guilt.

اگر تکنیکی کمک نمی کند، آن را بدون احساس گناه رها کنید.

